

**نویسنده:** م. ک. بها دراکمار (M.K.Bhadra Kumar).

**منبع و تاریخ نشر:** آسیا تایم «2021-07-15».

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

## چین انگیزه های افغانستانی خود را توضیح میدهد

### China explains its Afghan motivation



**پرچم طالبان افغان (به رنگ سفید) در «14» ماه جولای سال (2021) در مرز افغانستان با پاکستان در گذرگاه مرزی بزرگ چمن برافراشته شد.**

نشست وزیران سازمان شانگهای (shanghai cooperation organization = SCO) و نشست گروه کار این سازمان در مورد افغانستان دوشنبه از تاریخ (13) تا (14) ماه جولای در دوشنبه واقع در پایتخت تاجکستان؛ نمونه ها ویا الگوهای برخورد چین راجع به اوضاع در حال تحول در افغانستان را روشن ساختند.

روشن سازی اهداف و انگیزه های چین توسط **وانگ بی** (wang yi) مشاور امور خارجه چین و وزیر امور خارجه چین به موقع و مرتبط بود زیرا پکن اخیراً تجهیزات ویا آماده گی خود را به سمت وسوی یک عنصر با نقش فعال تر در مرحله ویا در اوضاع اصلی صلح افغانستان تغییر داده است.

اظهارات **وانگ بی** به روز چهارشنبه در یک کنفرانس مطبوعاتی واقع در دوشنبه پایتخت تاجکستان در مورد اوضاع افغانستان از یک رفرنس بسیار ارزشمند در میان پارانوایا (paranoia = یک احساس افراطی و غیر منطقی که دیگران شما را دوست ندارند یا قصد دارند به شما آسیب برسانند یا از شما انتقاد کنند) از رسانه های غربی و (هند) ارایه میدهد و آن اینکه چین گویا افغانستان را له میکند ویا بشکل حریصانه می بلعد اما چیزی که در اینجا بدیهی است این است که پکن از نظر عقلانی و منطقی بیش از حد هوشیار است که نباید به گرداب افغانستان کشیده شود. این اولین چیز است که پکن میداند.

به زبان ویا به افاده ساده چین در افغانستان مداخله نظامی نخواهد کرد و اشتباهی را که اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده در تاریخ معاصر که مرتکب شده اند تکرار نخواهد کرد بلکه نتیجتاً **چین** در تحت این استانه (threshold) یکی از سهامداران امنیت و ثبات افغانستان است .

**وانگ بی** نگرانی های امنیتی چین را در وضعیت حاکم کنونی افغانستان در سه جهت اصلی در اولویت قرار داد: یعنی جلوگیری از شکل گیری درگیری ویا مخالفت کنونی که در صورت سهل انگاری مبدل به یک جنگ داخلی تمام عیا خواهد شد. شروع مذاکرات هر چه سریعتر بخاطر برقراری صلح و پیشگیری از خطر تبدیل شدن دوباره افغانستان از روی کار آمدن گردان گروه های تروریستی بین المللی و افراطی .

اطمینان دارد که میتوان از بیشتر برهم شدن ویا از عواقب ناگوار اوضاع امنیتی افغانستان جلوگیری کرد که این سازندگی یعنی جلوگیری از وخامت امنیت دربرگیرنده تلاش های هر دو یعنی دولت **اشرف غنی** و **طا لبان** است که بمنظور تامین امنیت و بهتر شدن اوضاع امنیتی دست بکار شوند. پکن از روابط بسیار خوبی با دولت (غنی) برخوردار است. دولت چین در تمام این سالها بی سروصدا از دولت افغانستان حمایت و پشتیبانی کرده است و از نظر سابقه کاری در همه شرایط دشوار با هم مناسبات معتبر حسنه رداشته و دارند.

به همین ترتیب، پکن قدردانی می کند که دولت غنی با توجه به تعهد چین برای تثبیت وضعیت افغانستان، که غیر حزبی است و از ژئوپلیتیک برخوردار نیست، بالاترین اهمیت را برای تقویت روابط با چین قائل شده است. در واقع، اعتبار پکن باید حفظ شود که چنین روابط محکمی را با دولت غنی حفظ کرده و در عین حال خطوط ارتباطی را برای طالبان نیز باز نگه داشته است.

عمق و انعطاف پذیری روابط چین و طالبان موضوع حدس و گمان بوده است؛ اصطلاحاً تا حد زیادی با فرض آسان رابطه چین - پاکستان - طالبان پیش بینی شده است اما واقعیت هر چه مغلق ویا پیچیده تر است.

گرچه طالبان با چین اظهار دوستی میکنند اما اشتراک کنندگان کنفرانس در دوشنبه غرض رفع خطاهای موجود در این رابطه اظهار نظر میکنند - بنا براین بیش از یک بار **وانگ بی** از ناراحتی چین یا کشورش اینطور ابراز نظر کرد: **که طالبان تا هنوز با تمام نیروهای تروریستی فاصله خوبی نداشته که باید به جریان اصلی سیاست افغانستان بازگردند و در این مورد به کشور و مردم شان با نگرش مسولانه دست بکار شوند.** این اظهار نظر خیره کننده را باید در تمام ابعاد آن به دقت درک کرد.

کافی است بگویم: چین بعنوان یک کشور همسایه افغانستان در مورد پهلو گیری های اسلامی ملت افغانستان مسولیت پیشکش کردن کدام نسخه ای را ندارد واصل یا موقف اصلی خود را در عدم مداخله در امور داخلی آن کشور به دقت محافظت خواهد کرد. اما چین همچنین کاملاً آگاه است که یک خط نازک ستیزه جویی اسلامی را از تروریسم جدا میکند.

در غیر از این نمیتواند باشد زیرا **چین** در هر جای مختلف اش بین (20) تا (25) میلیون نفر

جمعیت مسلمان در مناطق مرکزی و غربی **سین کیانگ**، **گانسو (Gensu)** **ننگسیا (Ningxia)** و جاهای دیگر که از لحاظ جغرافیایی با آسیای میانه متوطن هستند زندگی میکنند.

بیان مغایر و متضاد در اینجا اینست که چین در حالی نسبت به برنامه مرموز ایالات متحده سونظر داشت اما هنوز نگرانی بزرگتر این است که در پایین دست ویا در فرجام خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان چالش ویا گردنکشی تروریسم ممکن است دلهره تر ویا ترسناک تر شود زیرا گروه های تروریستی مانند جنبش اسلامی ترکستان شرقی که سین کیانگ را تهدید میکند ممکن است عرض و فضای بیشتری برای انجام فعالیت های مخربانه شان در خاک افغانستان بدست آورند.

مطمیناً که چین نمی‌تواند اعتماد کامل خود با پاکستان را برای استفاده از طالبان در یک کشور بزرگ مانند افغانستان داشته باشد - البته سخنگوی طالبان چین را «دوست افغانستان» توصیف کرده است اما چین در مورد؛ اینکه آیا طالبان در موقف ویا موقعیتی اند که بتوانند انتظارات مردم چین را برآورده کنند؟ در این راستا آزمایش و یا تست کاغذ لئمس (تعین محیط اسیدی وقلوی) در نشان دادن تمایل طالبان برای ایجاد موقف پاک و منزله در قطع روابط طالبان با همه نیروهای تروریستی نهفته است.

واضح است که چین نمیخواهد ساختار دولت افغانستان از هم بپاشد ویا سقوط کند یا خلای امنیتی در افغانستان به وجود آید؛ بنا بر این بعید به نظر میرسد که چین از پیشتیبانی مادی؛ کمک های بشر دوستانه و تجهیزات مسلحانه خود به دولت افغانستان صرف نظر کند ویا آن کمک ها را قطع کند؛ چین پیوسته همکاری های اطلاعاتی خود را برای تقویت عملیات ضد تروریستی در افغانستان ودر کابل انجام داده و متعهد است که مجدداً انجام میدهد.

بدون شک؛ نابودی دولت افغانستان آخرین سناریوی کابوس برای پکن است در این راستا چین و ایران رویکرد تقریباً مشابهی دارند برخلاف روسیه که رابطه امتحانی با (غنی) داشته است. چین و ایران از اینکه در دولت کابل گفتگو پذیری دارند از آن راضی هستند اما در مورد دوام دولت (اشرف غنی) در برابر چالش فزاینده از جانب طالبان شک و تردید مشا به وجود دارد. **وانگ بی** پیشنهاد داده است که چین آماده است «در هر زمان مذاکرات بین الافغانی را تسهیل و میزبانی و به حل سیاسی مسله افغانستان کمک کند». چین عمدتاً یک شیار «زمین قابل زرع» مستقل را شخم می زند. از نظر روابط ویژه با پاکستان و معادلات دوستانه با مجموعه کابل با ظرفیت بزرگ خود برای ارایه کمک های مادی؛ اعتبارات خود را بعنوان یک همسایه خیرخواه به داشته ها ویا ذخایر عظیم خود استفاده میکند؛ مهمتر از همه به رویکرد سازنده ای خود.

نگرانی های امنیت محور یا جهت دار چین بسیار خاص بوده واز آنجا که هر دو کشور یعنی چین و روسیه از این می ترسند که اوضاع روبه وخامت در افغانستان به سرعت به آسیای میانه برسد در این مورد همگرایی با روسیه وجود دارد؛ ارتقاء گروه تماس سازمان همکاری شانگهای با افغانستان برای اولین بار از زمان تاسیس این فرمات در سال «2005» به سطح وزیران امور خارجه کشورهای عضو سازمان دایر میشود چونکه حضور این وزیران در نهایت امر یک نیاز بود.

**وانگ بی** از پیشنهاد ویا درخواست و پذیرش دولت موقت جاگزین دولت اشرف غنی کنار رفت وآن به این مفهوم که طرفدار دولت موقت جاگزین دولت غنی در افغانستان نیست. اما پس چرا چین باید میراث پیمان دوحه را به ارث ببرد؟ در یک تفسیر هم جانبه در روزنامه گلوبال تایمز تاکید شده است؛ که «موضع چین در مورد افغانستان بدون تغییر باقی مانده وچین هنوز هم از دولت افغانستان بخاطر تلاشهای مبتکرانه غرض ایجاد ثبات در کشور با وجود ابراز دوستی طالبان با چین تعریف میکند».

این بعنوان یک چشم باز کن ظاهر می شود که چین بجای سرگرمی در پیش بینی رو به قدرت در افغانستان پس از آمریکا نگاه طولانی مدت دارد. برآورد چینیا بی ها این است که برای یک آینده قابل پیش بینی؛ مهم نیست که چه کسی دولت افغانستان را تشکیل میدهد؛ ادامه مبارزه با تروریزم مسولیت بین المللی افغانستان خواهد بود. و بنا بر این اصل و اساس؛ روابط آینده چین و افغانستان خواهد بود.

در جلسه گروه تماس سازمان همکاری شانگهای با افغانستان **وانگ بی** از همه جناح های افغان خواست که نقشه راه و جدول زمانی آشتی ملی را روشن و ترسیم کنند تا پایه ای محکم برای «یک ساختار سیاسی و فراگیر» در افغانستان ایجاد کنند؛ قابل ذکر است که **وانگ بی** در حضور وزیر خارجه افغانستان تکرار درخواست خود را از طالبان برای احترام به قول و قرار خود برای قطع

رابطه با سازمان های تروریستی بین المللی نمود.

دریک موقعیت ایده ال چین و ایالات متحده میتوانند که شریک باشند اما شفافیت در روابط آنها براحتی وجود ندارد؛ گفتگوی آنها برهم خورده است؛ **وانگ یی** از آمریکا خواست « به تعهد خود احترام بگذارد و سهم خود را افزایش دهد» اما وی در کنار این مسئله تاکید کرد که کشورهای منطقه باید مراقب هر تلاش خرابکارانه اجنبی ها از خارج در امور داخلی افغانستان باشند که با ایجاد هرچ و مرج در افغانستان میخواهند امنیت و ثبات منطقه را از بین ببرند. به زبان ساده چین اهداف آمریکایی را در افغانستان با سوء ظن نگاه میکند؛ انتظار نمی رود که ایالات متحده به کار بازسازی افغانستان یا ملت سازی اشتیاق نشان دهد – با این وجود؛ **چین** به دلایل جیوپولیتیک پیش بینی میکند که نه تنها مداخلات آمریکا در افغانستان ادامه خواهد داشت بلکه حتی به گسترش فعالیت های نظامی اش نیز از هیچ تلاش دریغ نخواهد کرد.

----- **با تقدیم احترامات « 2021-07-25 »**